

211

79



211 - 79 Отрывки из религиозных сочинений.

211  
79



شدی زمان کنیه صیغه واحد مؤنث غایبه  
 مجهول فعل ماضی ضربت زده شدند ایشان زن زمان  
 که صیغه تثنیه مؤنث مجازین مجهول فعل ماضی ضربت زده  
 شدند ایشان همه نان زمان که صیغه جمع مؤنث  
 غایبات مجهول فعل ماضی آنش که مخاطب بود سه مذکر را  
 بود سه مؤنث بود آنسه که مذکر را بود ضربت زده شد  
 تو مرد در زمان کنیه صیغه مذکر مخاطب مجهول فعل ماضی  
 ضربت زده شد پشما دو مرد در زمان که صیغه تثنیه مذکر  
 مخاطبین مجهول فعل ماضی ضربت زده شد پشما همه مردان  
 در زمان که صیغه جمع مذکر مخاطبین مجهول فعل ماضی  
 که مؤنث بود ضربت زده شدی تو زن زمان که صیغه  
 واحد مؤنث مخاطبه مجهول فعل ماضی ضربت زده شد پشما  
 دو زن زمان که صیغه تثنیه مؤنث مخاطبین مجهول  
 ماضی ضربت زده شد پشما همه نان زمان که صیغه  
 جمع مؤنث مخاطبات مجهول فعل ماضی آنده که حکایت

ونون التأكيد احترزا عن توالي النونات اما طرق ما قبل  
 اخره فهو انك تقول فيما لم يتصل بضمير بار زار من ادع عن  
 وخشين فصح الواو والياء لان سقوط اللام في الامر كان  
 لمقام السكون في هذه النون يقتضي فتح ما قبلها فزان  
 اسقوط فصحت مع الف ضمير الاشين في ميان ادع عن  
 وخشيان مع الواو او من ادع عن اخشون فانه عطفنا  
 الواو في ارض من ادع عن كما في ارض من حركنا بالضم في ارض  
 لانا لو اسقطنا لم نجد ما قبلها ضمة تدل عليها ومع  
 الياء من ادع عن وخشين سقطنا الياء في ارض من ادع عن  
 كما في ارض من حركنا حاكما بالكسرة في خشين لانا لو اسقطنا  
 الياء لم نجد ما قبلها كسرة تدل عليها ومع النون ارض من  
 وادع عنان وخشيان علم اننا لو تتبعنا جميع الاقسام  
 في الحاق نون التأكيد بطول القول وتكرار ما سبق فركه  
 ومن التفرغ اصول التغييرات وتحقيق الحاق الضمائر لم يشبه  
 عليه شيء في الحاق نون التأكيد فنقول في الاجوف



ونون التأكيد احترازا عن توجع الى النونات اما طريقها  
 اخره فهو انك تقول فيما لم يتصل به ضمير بارز او من دون  
 وخشين فصح الواو والياء لان سقوط اللام في الامر كان  
 لمقام السكون في هذه النون يقتضي فتحها ما قبلها فزال  
 اسقوط فصحت مع الف ضمير الاثنين في ميان وادعوان  
 وخشيان مع الواو او من ادعوان اخشون فاسقطنا  
 الواو في ادعوان كما في اضرب حكنا بالضم في ادعوان  
 لانا لو اسقطنا لم نجد ما قبلها ضمة تدل عليها ومع  
 الياء من ادعوان وخشين اسقطنا الياء في ادعوان  
 كما في اضرب حكنا حاكبا لكسر في اخشين لانا اسقطنا  
 الياء لم نجد ما قبلها كسرة تدل عليها ومع النون ارميدان  
 وادعوان وخشيان اعلم اننا لو تتبعنا جميع الاقسام  
 في الحاق نون التأكيد بطول القول وتكررها سبق ذكره  
 ومن القصر اصول التغيرات وتحقيق الحاق الضمائر لم يشبه  
 عليه شيء في الحاق نون التأكيد فنقول في الاجوف



ضربت ز دید شایسته نمان زمان که صیغه جمع مؤنث  
 مخاطبات معلوم فعل ماضی آنند که حکایف است بود ضربت  
 زدم من مرد یازن زمان که صیغه واحد متکلم معلوم  
 فعل ماضی ضربت زدم ما بهمه مردان ما بهمه نمان زمان  
 که صیغه متکلم مع اخیر معلوم فعل ماضی اگر خواهی که  
 معلوم فعل ماضی مجهول کنی ماقبل آخر آن سه کون هر سه که  
 که پیش از ماقبل آخر است اورا ضم کن تا ضربت ضرب شود  
 مجهول فعل ماضی را نیز چهارده مثال است غایب بود  
 و شش مخاطب بود و دو حکایف بود آن شش که غایب  
 را بود سه مذکر را بود و سه مؤنث را بود آن سه مذکر را بود  
 زده شد می مرد در زمان که صیغه واحد مذکر غایب  
 مجهول فعل ماضی ضربت زده شده اند ایشان مرد در زمان  
 که صیغه تثنیه مذکر غائبین مجهول فعل ماضی ضربت زده  
 شد ند ایشان بهمه مردان زمان که صیغه جمع مذکر  
 غائبین مجهول فعل ماضی آن سه که مؤنث بود ضربت زده

ضربت زدید شایسته نمان زمان که صیغه جمع مؤنث  
 مخاطبات معلوم فعل ماضی آنند که حکایف است بود ضربت  
 زدم من مرد یازن زمان که صیغه واحد متکلم معلوم  
 فعل ماضی ضربت زدم ما بهمه مردان ما بهمه نمان زمان  
 که صیغه متکلم مع اخیر معلوم فعل ماضی اگر خواهی که  
 معلوم فعل ماضی مجهول کنی ماقبل آخر آن سه کون هر سه که  
 که پیش از ماقبل آخر است اورا ضم کن تا ضربت ضرب شود  
 مجهول فعل ماضی را نیز چهارده مثال است غایب بود  
 و شش مخاطب بود و دو حکایف بود آن شش که غایب  
 را بود سه مذکر را بود و سه مؤنث را بود آن سه مذکر را بود  
 زده شد می مرد در زمان که صیغه واحد مذکر غایب  
 مجهول فعل ماضی ضربت زده شده اند ایشان مرد در زمان  
 که صیغه تثنیه مذکر غائبین مجهول فعل ماضی ضربت زده  
 شد ند ایشان بهمه مردان زمان که صیغه جمع مذکر  
 غائبین مجهول فعل ماضی آن سه که مؤنث بود ضربت زده



شدی زمان کن است صیغه واحد مؤنث غایبه  
 مجهول فعل ماضی ضربت زده شدند ایشان در آن زمان  
 که صیغه تثنیه مؤنث بچنان مجهول فعل ماضی ضربت زده  
 شدند ایشان همه آن زمان که صیغه جمع مؤنث  
 غایبات مجهول فعل ماضی آنش که مخاطب بود سه مذکر را  
 بود سه مؤنث بود آنسه که مذکر را بود ضربت زده شد  
 تو مرد در زمان کن صیغه مذکر مخاطب مجهول فعل ماضی  
 ضربت زده شدید شما دو مرد در زمان که صیغه تثنیه مذکر  
 مخاطبین مجهول فعل ماضی ضربت زده شدید شما همه مردان  
 در زمان که صیغه جمع مذکر مخاطبین مجهول فعل ماضی آن  
 که مؤنث بود ضربت زده شدی زن آن زمان که صیغه  
 واحد مؤنث مخاطبه مجهول فعل ماضی ضربت زده شدید شما  
 دو زن آن زمان که صیغه تثنیه مؤنث مخاطبین مجهول  
 ماضی ضربت زده شدید شما همه زنان آن زمان که صیغه  
 جمع مؤنث مخاطبات مجهول فعل ماضی آن دو که حکایت



وگروه و تیلوها المفسد للعمل المشروع فيه فالكل ثمانية

وگروه است و تابع میشود بمانند و مفسد مر عمل مشروع که پس همه مشروع و غیر مشروع است

النواع اما الفرض مما ثبت بدل و طعمی لا شبهه فيه

نوعت اما فرض بس آنچه که ثابت شده است بدل و طعمی نیست شبهه در اندیش

و حکم الثواب بالفعل والعقاب بالترك بلا عذر و كفر بالانكار

حکم فرض ثواب است بسبب کردن و عذاست بسبب ترک بخورد و کفر بسبب انکار

في المتفق عليه والوجوب ما ثبت بدل طعمی منه شبهه و حکم

در فرض متفق علیه واجب آن است که ثابت شده است بدل طعمی که در همین دلیل شبهه است و حکم واجب

حکم الفرض عملا لا اعتقادا حتى لا يكفر جاحده و استمه ما و طيب

حکم فرض است از روی عمل نه از روی اعتقاد اما آنکه کافر نمیشود و منکر نشود و واجب است که در وقت

النبي عليه السلام مع تركه مرة او مرتين و حکم الثواب بالفعل

نموده نبی علیه السلام با ترک آن چندین بار یا دوبار و حکم سنت ثواب است بسبب کردن

والعقاب بالترك في الهدى و استحباب فعله النبي عليه السلام

و عذاست بسبب ترک کردن در سنت مؤسسه که مستحب آن چیز است کرد او را نبی علیه السلام

مرة و تركه اخرى و ما احببه السلف و حکم الثواب بالفعل

یکبار و ترک کرد او را بار دیگر و آنچه دوست داشته است او را سلف و حکم او ثواب است بسبب کردن

وعدم العقاب بالترك والمباح ما يخير العبد بين الايمان والترك

و حکم عفاست بسبب ترک کردن مباح آنچه چیز است که گزاشته شده است بنده میان آوردن و ترک

و حکم عدم الثواب في العقاب فعلا و تركا و محرم ما ثبت النهي

و حکم مباح عدم ثواب است و عدم عقاب از روی کردن و ترک کردن محرم آن چیز است ثابت شده است نهی

فيه بلا معارض و حکم الثواب بالترك لله عز وجل و العقاب

در روی بلا معارض و حکم محرم ثواب است بسبب ترک کردن برای خدای غالب و عقاب است



بفعل و کفر بالاستحلال في المتفق عليه و مکروه ما ثبت النهی فيه

سبب کردن و کفر سبب حلال شمردن در متفق علیه و مکروه آن چیز است که ثابت شده است نهی

مع المعارض و حکم الثواب بالترک الموصوف و خوف العقاب

بالمعارض و حکم مکروه ثواب است یا نکردن که صفت کرده شده است و خوف عذاب است

بفعل و عدم کفر بالاستحلال و المفسد بموالن و المضل للمعاشرة و فی حکم

بذون و عدم کفر است بحلال شمردن و مفسد عیبت که شکننده است برای علی که شروع کرده شده در آن

العقاب بفعل عمدا و عمده سهوا ثم علم بان اصلوۃ جامعه

و حکم مفسد غدا است سبب کردن از روی قصد و عدم ثواب است از روی سهو بعد از آنکه بدست که نماز جمع کننده

للاربعه الاول شرعا و قد توجد الاربعه الآخره طبعاً فلا بد من تفصیل

مرها اول را از روی شرع و کما باقیه میشود و چهارم را از روی طبع پس چهارم از جدا کردن

کل نوع و تعداد بطریق الاختصار و الاختصار مرتباً علی ثمانية

بمربوع و از شمردن آنها براه قصر کردن و بند کردن در حالیکه مرتب بر هشت

البواب تیسیر للمؤمنین الباب الاول فی الفرائض و هی

باب از هجت آسان شدن برای مؤمنان باب اول در بیان فرائض نماز است و آن فرائض نماز

خمس عشر بعضها خارجیة و بعضها داخلیة اما الخاجیه فثمانیة

بازده است بعض آن فرض خارجی است و بعضی داخلی است اما فرض خارجی بر هشت است

الوقت و طهارة البدن و الثوب و امکان و ستر العورة و استقبال القبلة

یک آن وقت و پاک بودن و پاک جامه و پاک مکان و پوشیدن محورت و استقبال قبله

و النیة و تسبیحة الاولى و الداخليه سبعة القیم و القراءة و الركوع

و نیت و تکبیر تحریمه و وضو داخله هفت است یا که آن قیام و قرائت و رکوع

و السجود و القعدة الاخیره و الترتیب بما اتحدت شرعیته

و سجود و قعدة اخیره و ترتیب در آن که متحد است شرعی است او



فی کل رکعة او فی جمیع اصلوة و الخروج بفعل المصلی

در هر رکعت یاد تمام نماز و بیرون آمدن بفعل مصلی

الباب الثاني فی الواجبات و هی احد و عشرون منها ما یعم

باب دوم در بیان واجبات نماز و آن دهجیات است بعض آن وجه عام میشود

جمیع لمصلین اصلوة و هی سبعة و منها ما یخص بعض المصلین

تمام نماز کننده و تمام نماز و آن هفت است و بعض واجبات خاص میشود بعض نماز کننده را

والصلوة و هی اربعة عشر اما العام فلفظ التکبیر للتمیز و الوقعة

و بعض نماز و این دهجیات چهارده است اما واجبات عام بس لفظ تکبیر است برای تمیز و وقعة

الاولی و التشهد فی القعدین و الطمانینة فی الرفع و السجود

اولی و تشهد خواندن در دو وقعة و آنگاه گرفتن در رکوع و در سجود

و ایتان کل فرض فی موضعه و کل واجب كذلك

و آوردن هر فرض بجای خود و آوردن هر واجب مثل فرض و

بلفظ السلام و اما الخ من معین الاولین للقرآن و معین

بلفظ سلام و اما واجبات خاص بر تعیین کردن در رکعت اول برای

الفاخرة لهما و اقتصارها علی مرة و ضم سورته او ثلث آیات قصیه

سوره فاتحه برای در رکعت اول بجا خواندن فاتحه است و ضم کردن سوره یا فاتحه سه آیت کوتاه

او آیه طویله معها و تقدیم الفاتحه علیها و

یا یک آیت دراز با فاتحه و تقدم کردن فاتحه بر سوره و این چهار

و القنوت فی الوتر و یجری فی موضعه جماعته و الخ ما فی کذا

و دعای خواندن در وتر و بلند خواندن بجای بلند در جماعت و

النصت للمقتدی وقت قراءة الامام و من

و مؤمن بودن مقتدی وقت دعای امام

و تابع بودن



حال حجه وان لم يكن محسوبا من صلواته وسجدة التلاوة على الامام

حاليكه ايديهم اراكرجه بناشه محسوب از نمازاد وسجدة تلاوت بر امام

و منفرد و تكبيرات العيدين و تكبير ركوعها وسجدة السهو على الامام

و بر منفرد و تكبيرات دو عيد و تكبير ركوع آند و عهد وسجده سهو بر امام

و منفرد و تبرك الواجب في الثمانية الاول من القسم الاخير وفي جميع الصور

و بر منفرد بسبب ترك واجب در هشت وجهات اول از قسم اخير در جميع صورت

من القسم الاول الا الطمانينة فانها واجبة للغير الباب الثالث

از قسم اول مكر در طمانينه پس طمانينه و حجت باكمال غير باب سوم

في سنن وهي سبعة وعشرون العام سبعة عشر وهي في سنن

در بيان سننها و آن سننها و هفت ست سنت عام هفده اند و آن بر پشتن برود

في التحرمة وفي القنوت وفي تكبيرات العيدين و شر الاصلح ثمة

در تكبير تحر به و در دعاء قنوت و در تكبير نماز دو عيد و بر كنند كردن پشتان در بر پشتن

و الثناء و وضع اليدين على الشمال و تكبيرات الاثقال حتر القنوت

و ثنا خواندن و نهادن دست راست بر بالای سر و تكبير نماز اثقال تا تكبير قنوت

و تسبيح الركوع ثلاثا و اخذ الركبتين في الركوع و تفرج الاصابع

تسبيح گفتن در ركوع سه بار و گرفتن دو زانو در ركوع و كشاده داشتن پشتان

فيه والقوة و الجلبة و السجدة على سبعة اعضاء و تسبيح اجمود ثلاثا

در ركوع و راست تياردن بنا و ركوع و نشستن ميان دو سجده و سجده كردن بر هفت عضو و تسبيح گفتن سجده سهو  
و الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم بعد التشهد و الدعاء بعده  
در دو خواندن بر نبی علیه السلام بعد از تشهد و دعای خواندن بعد از درود  
از تسبیح اجمود و تسبیح اجمود و تسبیح اجمود  
برای نفس خود و برای جمیع



بالتكبير ومقارنته المقدمي تكبيرة الامام ومتابعته له في

ونزد يك کردن مقدمي تكبيرش را تكبيرة امام ومتابعت مقدمي مر امام را

سائر افعال و لتعوز و اخفاء و لتسميته بعده و اخفائها و هذه

بهر حالش و عوذ گفتن و اخفاء تعوز و تسميه بعد از تعوز و اخفاء تسميه و اين

الاربعة للامام و المنفرد و التامين من الهما و للمقتدر و الجهرية

بچهارست براي امام و تنها گذار را و آيين گفتن پوشيد مر امام و منفرد او براي مقتدر در جهرية

و التسميع للامام و للمقدمي التمجيد و المنفرد و جمع و فترش حركية

و سمع الله من جمده گفتن مر امام را و در مقتدر را اينها كه كچه گفتن و در منفرد و جمع كردن ميان هر دو و كسوف

للجلوس عليها مع نصب اليمنى في القعدة للرجال و للنساء

پاي چپ خود را براي نشستن بپاي راست و بايستاده كردن پاي راست در قعدة مر مردان را و مر زنان را

التورك الباب الرابع في المستحبات وهي ثلثة و عشرون

بر دهنه نشستن باب چهارم در بيان مستحبات نماز و آن مستحبات بست سه است

العام الاربعة عشر ترك الالتفات يمينا و شمالا كما قيل في خطبة

مستحي عام چهارده است ترك نگاه است بطرف راست و چپ چنانچه گفته شده است و پوشیدن

الضم عند غلبة التساوب و دفع الشحاما استطاع و زيادة

و اين است نزد غلبه خميازه و دفع سرفه است آنقدر كه قادر شود و زياره كردن

القراءة على ثلاث آيات و ترتيب القراءة و تسوية الرأس مع

قراءت است بر سه آيت و ترتيب قراوت و برابر كردن سر است با

الطير في الركوع و وضع كعبته قبل يديه على الارض و يديه

پشت در ركوع و نهادن دوزانوت پيش از دودست بر زمين و دودست

قبل الانف في الجبهة للجمود و على عكس ذلك الرفع

پيش پي پي و پيني پيش از پيشان براي سجده و بر عكس است برداشتن



للقيام ولسجود بين الدين و توجيه اصابع ورجليه نحو القبلة و ترك مسح  
برای آستین و سجده کردن میانه دودست و متوجه کردن پیشانی دودست و دو پا بجهت سوی کعبه و ترک

التراب لعرق قبل السلام و فصل من القمین قبل اربعه اصابع لقيام  
مسح خاک و نغوی بیس از سلام و جدا کردن میانه دودست مقدار چهارمشتان در قیام

و وضع یدیه علی مخذیه فی القعدة و تحویل جبهه منیه و یسره عند السلام  
و نهادن دودست خود بر دوران خود در قعدة و گردانیدن روی خود بسوی راست و جب نزد سلام

و انحراف شفته رفع یدیه فیما بین خدیم شحمتیه للرجال و خدایمکب للنساء  
مستحبات خاص است بر پشتن دودست خنده در جایگاه منون آبله بردن کوشن مرزا در برابر کف مرزا نازا

و وضع الیدین تحت الترسه للرجال و علی الصدر للنساء و اخرج الکفین من  
و نهادن دودست در زیر کمان مردان نازا و بر سینه مرزان نازا و بر آوردن دودست از

الکفین عند التحريم للرجال و القراءه علی قدر کموی للام و زیاده التسمیة  
دو آستین نزد تکبیر تحريم مردان نازا و قراءت کردن بر اندازه کموی شده آ مرام را و زیاده کردن بجا

علی الثلاث و ترالمنفرد و ابعاد البطن من البطن من الفخذ و الفخذ  
بر سه در حالیکه طاق باشد و منفردا و دوردشتن دو بازو از سگم و سگم از ران و ران

من الساق و الساق من الارض و الركوع و السجود للرجال و لعکس للنساء  
از ساق و ساق از زمین در رکوع و در سجود مردان نازا و بعکس آن مرزان نازا

و قراءه الفاتحه بعد الاوین للمفترض فی المشهور و التسمیة قبل الفاتحه  
و خواندن فاتحه بعد از دو رکعت مفترض گذارار در وقت سهو و رسم نه گفتن پیش از فاتحه

فی کل رکعة لمن بین و اثنان المسبوق اذ فرغ الامام البانی من سجود  
در هر رکعت هر کی که منون است و انتظار شدن مسبوق تا فرغ شدن امام از نماز باب پنجم در بیان حرمت نماز

الحرمت هی اربعه عشر علی العموم الجهر بالتسمیة و بالتأمین و اللغات  
و آن چهارده است بنابر عموم بلند گفتن تسمیه و بلند گفتن تأمین

و آن چهارده است بنابر عموم بلند گفتن تسمیه و بلند گفتن تأمین



وشمالاً تجول بعض الوجوه و النظر الى السماء و الالكاء على السطوانة اولهيد  
 و جب را و بگردنيدن بعض روى را و نظر کردن بسوى آسمان و تکرار کردن بر ستون يا بر دست  
 و نحوه بلاغدر في الفرض و رفع الھيدن مخ غير ماشع و رفع الاابع في الركوع  
 و مانند آن بيخدر در نماز فرضها و برداشتن دو دست در جائگه مستحق شده آ و برداشتن مشتاق در ركوع  
 و احوال في الجلوس على عقبية للتشھد و العبت ثوبه و تدوون الشرا  
 و در سجود از زمین و نشستن بر دو پا ستمه برای تشھد و بازی کردن بجا نغمه يا بیدن خود غير از سه  
 و الاشارة بآب التماكل الحدیث و قصر السلام على جانب القنوت  
 و اشارت کردن بسبابه مانند اهل حدیث و کوتاه کردن سلام بر یک جانب و قنوت خواندن  
 في غير التور و الزيادة في التكبیر و التناو و التبيجات و التشھد على التنة  
 در غیر وتر و زیاده کردن در تکبیر و در نشا و در تبيجات و در تشھد بر قدر یک سینه است  
 و ترک الواجب مما سبق عمدا و في محیط ذکر تلمحات في امکرو هات  
 و ترک چیزی که از وجبات گذشته است قصد و در کتاب محیط ذکر کرده شده است محرمات در فصل مکروهات  
 الباب السادس في امکرو هات و هي تسعة و خمسون العام اثنان و اربعون  
 با ششم در بیان مکروهات نماز است و آن مکروهات پنجاه نه اند مکروهات عام حیل دو اند  
 تکرار التكبيرة و العد باليد للامی و نحوها و تخصر ما هو من خلاق و حيايرة  
 بچ آن تکرار تکبیر است و تمدن پست مرتبه را و مانند آن و در تریکاه نیز و بعد از فعلها تشکیک است  
 و التناخ بلاغدر و لو بغیر حرف و التخم و التناخ غیر المسموع و مساک الدائم  
 و غیره بیخدر و اگر چه باشد بخیر و نیتی شردن و دیدن که شنیده نشود و تکرار پشت در سجود  
 في الفم و نحو ما بحيث لا يمنع القراءة و علماء الرأس من النظر في الركوع  
 در زمین و مانند آن بوجهی که منع نکند قراوت را و بلند کردن سر را از پشت در رکوع  
 و ابتداء ملین الالسان لو كان لميل من الحصة و ترک سنته من السنن  
 و فرد بردن چیزی یک در میان دندان است اگر چه باشد کمتر از خود و ترک سنت است از سنتها



واتمام القراءة في الركوع وتحصيل الاذكار في الاثقالات وضع يده  
 تمام کردن قرائت را در رکوع و حاصل کردن ذکرها در اثقالات و نهادن در دست  
 قبل کسب تپه علی الارض للسجود بلا عذر و وجهها بعد کسب تپه للقیام که یک  
 پیش از دو زانو در زمین برای سجده بی عذر و برداشتن دو دست بعد از دو زانو برای قیام بخانه  
 والاقفا و تعطية الفم بلا غلبة التثاؤب و غمض العينين و قلب الحصى  
 و نشستن مانند سگ و پوشیدن دهن بی غلبه تمیازه و فرو خواندن دو چشم و گرداندن سگ زنه  
 الا ان لا یکنه السجود فاتی به مرة او مرتین و مسح جبهته عن التراب او ارجل  
 مگر اینکه ممکن نباشد او سجود پس می آید به نشو و نه یکبار یا دو بار و پاک کردن پیشانی از خاک یا از خوس  
 قبل الفراغ و كف الثوب التثاؤب و تمطی و فرقة الاصابع و الاستراحة  
 پیش از نزع و نگاه داشتن جامه و تمیازه و یازیدن و بانگ بر آوردن اصابع را در حالت سبیدن  
 من جل الی رجل و فترج الاصابع فی غیر الركوع و لتجیل فی القراءة و ترک  
 از پای بسای دیگر و کشاده کردن پشتان در غیر رکوع و شتاب کردن در قرائت و برابر  
 الراس مع الظهر را کما و تخطفه ثلاثا فصاعدا بلا عذر لو وقف بعد  
 نکردن سر را با پشت در حالیکه رکوع کننده و قدم زدن سه بار پس زیاده بیفزاید اگر ایستد بعد از  
 كل خطوة و التمايل يمينا و شمالا و الی القامة دون الثالث و دفنها  
 هر قدم و پای شدن راست و چپ و کشتن شش کمره از سه و دفن شش  
 و القاء البزاق و نزع القميص و القلنسوة و الخف لعجل قلیل و شتم الطيب  
 نجین است و افکندن آب دهن و کشیدن کمره و کلاه و موزه و بانگ عمل و پوشیدن کتبی  
 و تروح بالثوب نحوه و ن الثالث و تعیین السورة لصلاة معينة بحيث  
 و یاد کردن بجایه و مانند جایه کمره از سه و تعیین سوره برای نماز مخصوص بوجهی که  
 لا یقر و غیره با جمع پس السورین تبرک احد بینهما في رکعة واحد و الاثقال  
 خواندن سواي آن سوره را و جمع کردن میان دو سوره تبرک احدان آید و سوره در کتباته و انتقال

تبع